

استاد سید محمد حسین جلالی نمونه عزم و همت - سید علی طباطبائی یزدی

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هفدهم، شماره ۶۸ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۶۹-۱۸۴

استاد سید محمد حسین جلالی نمونه عزم و همت

سید علی طباطبائی یزدی*

چکیده: این گفتار در باره سید محمد حسین جلالی (۱۳۶۲ کربلا - ۱۴۴۲ آمریکا) عالم محدث کتابشناس رجالی است که نزدیک به نیمی از عمر خود را در هجرت گذراند. شرح حال، نسب و اساتید جلالی، هفت نکته از منش و روش علمی و عملی جلالی در دفاع از تشیع و ترویج آن، فهرست تألیفات و مشایخ اجازات جلالی از شیعه و سنی و زیدی در این گفتار بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: جلالی، سید محمد حسین؛ کتابشناسی؛ علم الحدیث؛ حوزه علمیه کربلا؛ دانشوران شیعی - قرن چهاردهم و پانزدهم؛ اجازات حدیثی.

۱. پژوهشگر، کتابشناس، حوزه علمیه قم. مدیر مؤسسه محقق طباطبائی alitbtb@gmail.com

حضور مستمرّ چهل و چند سالهٔ یک عالم فرهیخته و دانشمند و کتابشناس برجستهٔ مسلمان در آمریکا، - کسی که در مرکز حوزه شیعی، سالها تحصیل علم کرده و در محضر بزرگانی زانو زده از قبیل علامه شیخ آقابزرگ طهرانی و آیت الله خوئی و... که الگوی پژوهش و تتبع و مطالعه دقیق آثار قدما بودند - نادر، بلکه بی نظیر بوده است و برای جامعهٔ آمریکایی و مسلمانان آنجا بسیار مغتنم.

استاد سید محمدحسین جلالی، محققى بود، از طبقهٔ عالمانى که در فضای نجف قدیم، و در کنار قله‌های فضیلت علمی و اخلاقی زیسته‌اند و هوای کتاب و رساله و یادداشت و سند و نسخه خطی و بحث و نظر و درس و مناظره را استنشاق کردند و خواندند و نوشتند و تصحیح کردند و متون کهن را واریسی کردند و به سنت دنباله‌دار مشایخ روایت و درایت و تدقیق و تنقیب در سطر به سطر و کلمه به کلمهٔ میراث متکلمان و محدثان و ادیبان و لغویان و مورخان و مفسران و رجالیان عالم اسلام، در قرون متمادی، از هند تا اندلس و از یمن تا ماوراء النهر، جدّ و جهد کردند و از بام تا شام و تابستان و زمستان، در ایام تحصیل و تعطیل، در عسرت و شدت، از فحص و تتبع و تأمل فروگذار نکردند.

زندگی و تحصیلات

پدر و جد پدری او در کربلا از علما بودند، و جد مادریش آیت الله سید محمدهادی خراسانی نیز از فقهای بنام بود.^۱

۱. خاندان جلالی از خاندان‌های علمی و مشهورند. برادران مرحوم استاد جلالی، یعنی سید محمدتقی و سید محمدرضا و سید محمدجواد جلالی نیز در فعالیت علمی و خدمات دینی نام آورند. سید محمدتقی جلالی، در شهر قاسم که از شهرهای عراق بود فعالیت بسیار داشت و مدرسه‌ای نیز در آن شهر تأسیس

وقتی استاد جلالی در سال ۱۳۲۲ شمسی به دنیا آمد، پدرش تاریخ تولدش را به عربی ثبت کرد، به این مضمون: «نور چشمی، سید محمد حسین، که خداوند او را محفوظ بدارد، در روز جمعه هنگام غروب سیزدهم صفر الخیر سال ۱۳۶۲ ق. به دنیا آمد».

استاد جلالی مقدمات را نزد شیخ عبدالکریم شیرازی و کبری در منطق را نزد برادر شهیدش سید محمدتقی جلالی آموخت. هدایه و صمدیه و سیوطی و مطوک و حاشیه را نزد شیخ جعفر رشتی و شرح لمعه را نزد پدرش و سید عبدالله خویی و شیخ محمد شاهرودی و معالم را نزد شیخ علی عیثان و شیخ یوسف خراسانی آموخت.

در هفده سالگی به دستور پدرش راهی نجف اشرف شد تا مشغول به تحصیلات عالی شود. در نجف در حجره‌ای در مدرسه صدر ساکن شد و از اساتید بزرگ نجف بهره برد. مکاسب را نزد شیخ صدرا بادکوبی و آیت الله سید علی سیستانی

کرد و بعدها به شهادت رسید. استاد ما محقق بزرگوار آیه الله سید محمد رضا جلالی، از محققان بسیار پرکار و ارجمند در عرصه متون کهن و تراجم نگاری و تاریخ نگاری و حدیث پژوهی هستند و برخی از تألیفات ایشان نیز به فارسی برگردانده شده. از جمله سیره و سیمای امام حسین^۷ به ترجمه دوست محقق ما جناب جو یا جهان بخش توسط انتشارات اساطیر در تهران منتشر شده است. مجله علوم الحدیث که سالها به همت ایشان به زبان عربی^۶ منتشر شد، از بهترین مجلات در این زمینه است. پرداختن به شخصیت علمی ایشان خود فرصتی فراخی طلبد. خداوند به ایشان عمر طولانی عطا کند. درباره خاندان جلالی کتابی را مرحوم سید محمد حسین جلالی تألیف و منتشر کرده است و به تفصیل به معرفی اعلام و عالمان پیشین این خاندان و احوالات و آثار آنان پرداخته است. رضوان الله تعالی علیهم اجمعین.

۱. مدرسه صدر از مدارس قدیمی نجف و ساخته نظام الدوله میرزا محمد حسین خان صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار است. بدین روی به مدرسه صدر یا مدرسه صدر اعظم شهرت یافته است.

و فلسفه را نزد شیخ مسلم ملکوتی سرابی آموخت. نیز در درس خارج فقه آیت الله سید محسن حکیم و اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی و فقه و اصول آیت الله سید حسن بجنوری و آیت الله سید ابوالقاسم خویی حاضر شد. در این میان، به استاد خود آیت الله سید حسن بجنوردی بیش از دیگران نزدیک بود و مورد توجه ایشان بود. در آخر نیز در سال ۱۳۴۵ شمسی از آیت الله بجنوردی اجازهٔ اجتهاد دریافت کرد. نظرات اصولی استادش آیت الله خویی را نیز در کتابی با عنوان «تهذیب مبانی الأصول» انعکاس داد.

در تابستان ۱۳۴۲ شمسی مدتی را در درهٔ مراد بیک در اطراف همدان بود و بعد به زیارت امام رضا^۷ و زمینی به زیارت مکه مکرمه و گزاردن حج^۱ رفت. در این سفر با عالمان مکه دیدار کرد و از ایشان اجازه روایت دریافت کرد. در مکه نگارش «معجم الأحادیث» را آغاز کرد که در الذریعة (ج ۲۱ ص ۲۱۷) مذکور است (و این در دورهٔ جوانی ایشان بود که استادش محقق تهرانی از او تجلیل می کند).

در سال ۱۳۴۷ به انگلستان رفت و مدتی در آنجا ماند. وضعیت مسلمانان در آنجا مورد توجه او قرار گرفت و در این باره نامه‌ای به استادش آیت الله خویی نوشت و پیشنهادهایی نسبت به جامعهٔ مسلمانان انگلستان ارائه کرد. این نامه در نشریهٔ مشهور آن دوره یعنی مجلهٔ العرفان در بیروت منتشر شد.

سپس به دمشق رفت و مشغول تحقیق در کتابخانهٔ عظیم و کم نظیر دار الکتب

۱. جانب ارتباطات علمی و فعالیت کتابخانه‌ای ایشان در مکه و مدینه، ایشان را از انجام مستحبات نگاه نمی داشت. چنان که اخوی معظم ایشان استاد ما آیه الله سید محمد رضا جلالی فرمودند ایشان به استحباب سیصد و شصت طواف عمل می کرد و به نیابت تعداد زیادی از علمای طائفه هم، از زمان غیبت صغری تا عصر حاضر، طواف می کرد.

الظاهریه شد که از حیث اشمال بر نسخ خطی بسیار کهن، از کتابخانه‌های خطی مهم دنیاست.

ایشان، در سال ۱۳۵۱ از سوی مرجع بزرگ شیعیان، آیت الله خویی رضوان الله علیه، و به نمایندگی از ایشان به قطر رفت و در دوحه ساکن شد. مرحوم استاد جلالی، وجود خود را در قطر آن روزگار، که در آن، کتاب و کتابخانه و مدرسه چندان مورد توجه نبود، مفید نمی‌دانست. بدین روی، از استاد خود، آیت الله خویی خواست تا از این وظیفه کناره گیرد. با توجه به اوضاع نابسامان عراق در آن روزگار، به نجف بازنگشت، بلکه به قم مهاجرت کرد و به فعالیت علمی خود ادامه داد و در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز شرکت کرد.

بعد به قاهره سفر کرد و با شخصیت‌های علمی قاهره دیدار کرد و از کتابخانه‌های آنجا بهره‌های فراوان برد. با علمای زیادی از اهل سنت ارتباط نزدیک داشت. کتاب «دلیل القراءات» ایشان در دیوبند (مدرسه حنفی‌ها) چاپ شده است و ظاهراً تنها کتاب شیعی است که آنان منتشر کرده‌اند. بعد از آن به دعوت مسلمانان انگلستان باز به آنجا سفر کرد. مدتی را در انگلستان گذراند و سپس راهی آمریکا شد.

چند نکته از منش و روش مرحوم جلالی

۱. هرچند استاد جلالی تا آخر عمر را در آمریکا ماند، اما در این میان سفرهای بسیاری به نقاط مختلف جهان داشت و با مراکز علمی، کتابخانه‌ها و شخصیت‌های علمی دیدار کرد. یادداشت‌های بسیاری از مطالعات خود در نسخ خطی کتابخانه‌های مصر و یمن و فلسطین و سوریه و ایران و کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی فراهم آورد و با شخصیت‌های علمی بسیاری ارتباط داشت. حجم انبوهی از یادداشت‌های ایشان همچنان تنظیم نشده و به انتشار نرسیده است.

۲. آنچه‌ان که از فهرست آثار او پیداست، اهتمام به میراث حدیثی، اجازات و رجال

اسناد داشت. نَحج البلاغة از متون مورد توجه او بود و کاری که در حوزه کتابشناسی نَحج البلاغة و استناد آن کرده، بسیار ارزشمند است. به صحیفه سجادیه نیز عنایت داشت و شناسایی و کنکاش در منابع خطی و شناسایی میراث شیعی، متن همیشگی کار او بود. در زمینه کتابشناسی بجز «فهرس التراث»، در حاشیه الذریعة آقابزرگ طهرانی تحقیقی پر حجم سامان داد که منتشر نشده است. مرحوم استاد جلالی به ثبت شجره سادات اهمیت می داد و در دیدارهایی که با بسیاری از خاندان های سادات در دنیا داشت، اطلاعات نسبی بسیاری را یادداشت کرد. شجره نامه های کهن را ثبت و ضبط می کرد و در سلسله انتشارات خویش منتشر می کرد.^۲

۱. فهرس التراث کتابی است از دانشور فقید سید محمد حسین جلالی که عالمان شیعی را به ترتیب قرن (قرن یکم تا پانزدهم)، و در هر قرن به ترتیب سال وفات عالمان، آنها را فهرست کرده و ذیل نام هر کدام، برخی از مهمترین کتابهای آنان را با ذکر مشخصات چاپی و خطی یاد می کند.
۲. ایشان نسب نامه خویش را هم به صورت چند تابلو در آورد و به فرزندان خود سپرد. نسب نامه ایشان از این قرار است: سید محمد حسین ابن السید محسن ابن السید علی الحائری الکشمیری ابن السید قاسم شاه (که تا ایشان همه ساکن عراق بودند) ابن أحمد بن محمد میر وزیر کشمیری (که وزیر راجه علی شاه پادشاه کشمیر بود) ابن أحمد (مهاجر به سکر در هندوستان) بن میر حیدر شاه کشمیری ابن شاه مراد الثانی ابن شاه حسین (م. بعد از ۱۱۰۳ ق.) ابن شاه مراد الأول ابن میرزا حسین السبزواری (که از سبزواری به هندوستان مهاجرت کرد) ابن فخر الدین حسن (مشهور به سید میرزا) ابن شرف الدین محمد الثانی ابن شمس الدین علی الرابع ابن شرف الدین محمد الأول ابن شمس الدین علی الثالث (م. ۸۳۶ ق. که به سبزواری مهاجرت کرده) ابن عمید الدین عبد المطلب الثانی (م. ۶۵۶ ق. آخرین نقیب بنی العباس که در کتاب العمدة، در منتهای نسب مذکور است) ابن تاج الدین حسن النقیب (م. ۶۵۳ ق. که فرزندش علم الدین در نقابت جانشینش شد) ابن شمس الدین علی الأول (م. ۶۰۲ ق.) ابن عمید الدین محمد ابی جعفر ابن ابی نزار عدنان (م. ۵۵۳ ق. مدفون در حرم امیر المؤمنین ۷ در نجف) ابن ابی الفضل عبد الله (م. بعد از ۴۷۶ ق.) بن

۳. استاد جلالی، چهل و چند سال عمر خود را در آمریکا گذراند. در بدو ورود به آمریکا، مدتی را در اوهایو و مدتی را نیز در ایندیانا گذراند و بعد برای همیشه به شیکاگو در ایلینوی آمریکا رفت. به رغم سختی‌های زندگی در غربت و دوری از دوستان و خویشان، از فعالیت علمی و پژوهشی و رسالت حوزوی خود هیچ نکاست، بلکه با عزم راسخی که در این سفر داشت، به فعالیت خود جنبه‌های مختلف داد و سخت تلاش کرد. او پس از آنکه در شیکاگو مستقر شد، مرکزی را بنیاد نهاد تا فعالیت پژوهشی و آموزشی خود را در آن متمرکز کند. این مرکز را، نه به سبک معمول امروزه و با صرف هزینه‌های متعدد برای ساختمان و ساختار

عمر المختار بن مسلم الأحول (ل از ۳۸۹) ابن ابي علي محمد (م. بعد از ۳۵۳ ق.) ابن محمد الأشر (م. ۳۵۰ ق.) ابن عبيد الله الثالث (م. ۲۹۰ ق.) ابن ابي الحسن علي الأكبر ابن عبيد الله الثاني ابن علي الصالح (راوی از امام رضا) که از طوس به سوی مرو رفت و وفات او در ماشبدان ایلام بود و مزار او آتجادر آبادی است که به نامش صالح آباد نامیده می‌شود) ابن عبيد الله الأعرج (که مزارش در آستانه علویان، نوقان استان سمنان است) ابن حسین الأصغر (م. ۱۵۷ ق. متولد و در گذشته در شهر مدینه) ابن الإمام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابي طالب.

۱. یک بار بر سر سفره به دختر خواهرم که لب به گوشت نمی‌زد گفتم چرا گوشت نمی‌خوری؟ گفت: من بر اصول گیاه‌خواری عمل نمی‌کنم. بلکه من اصولاً بدون گوشت بزرگ شدم و عادت به گوشت خوردن ندارم. آمریکای امروز را نبینید که گوشت حلال همه جاهست. در گذشته، سالی یک بار، پدرم می‌توانست مسیر طولانی تا شهر دیتروید را طی کند که مسلمانان بیشتری آجا بودند و از کسی که گوشت حلال داشت، گوشت تهیه می‌کرد و ما تقریباً سالی یک بار می‌توانستیم گوشت بخوریم. لذا - ما ساها با خوردن صیفی جات و سبزی‌ها روزگار گذراندیم.

علاوه بر سختی‌های زندگی در غربت، سختی زندگی در جامعه پرهزینه آمریکا هم بود، خاصه برای ایشان که ملتزم بود هم زندگی طلبگی داشته باشد و هم از وجوهات شرعی، استفاده نکند.

اداری، بل به سبک مشایخ خود، با حد اقل امکانات شخصی و در کتابخانه شخصی خودش برپا کرد و به آن عنوان The Open School (مدرسه آزاد) داد. این عنوان، به خاطر تأکید ایشان بود بر دسترسی آسان و رایگان به آموزش، که سنت عالمان اسلامی بود. مجالس درس ایشان، هم حضوری بود، هم با استفاده از هرگونه امکان ارتباطی از قبیل ارسال کتاب و مکاتبه، استفاده از تماس‌های صوتی و در سال‌های اخیر استفاده از اینترنت.

۴. بی‌توجهی او به وجوه پرهزینه مراکز علمی، ناشی از نشو و نما در نجف و در فضایی بود که فعالیت علمی و آموزشی، سبک و شیوه‌ای دیگر داشت و با حد اقل زمینه‌های ارتباط استاد و شاگرد فراهم می‌شد؛ همچنان که او و دیگر شاگردان استادش مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی، در کتابخانه شخصی آن استاد بزرگ جمع می‌شدند و بهره می‌گرفتند. و همچنان که پدر همسر استاد جلالی، مرحوم محقق سید عبدالعزیز طباطبائی نیز در کتابخانه‌اش در طبقه بالای خانه‌اش، مشغول به شاگردپروری و ارائه خدمات علمی و پژوهشی و راه‌اندازی و به ثمر رسانیدن تحقیق و نشر کتابهای حلقه‌ای از شاگردان و دوستان خود بود.

ای کاش، مجتمع‌های بزرگی که امروزه برخی نهادهای پژوهشی ما را در طبقات سیمانی و ستون‌های آهنین و ساختار اداری عریض و طویل خود بلعیده‌اند، اندکی از ثمرات و بهره‌وری آن حلقه‌های کوچک و فضاهاى علمی سنتی و به ظاهر محقر را داشت و برپایی برخی کنگره‌ها و اجتماعات عظیم، با توجهات و عنایات متعدد مالی و پرسنلی، یک مجلد از «الذریعة» و طبقات و یک مقاله از «اهل البيت في المكتبة العربية»^۱ را به میراث علمی ما می‌افزود. حتی دیده‌ایم برخی از کارهای ارزشمندی

۱. «اهل البيت في المكتبة العربية» عنوان کتابی است از علامه محقق کتابشناس مرحوم سید عبدالعزیز

که در زمینه میراث شیعی، در برخی از نهادهای بزرگ شکل گرفته، باز در حاشیه آن ساختارها و با یک همت و عزم شخصی - و نه در متن آن همه مؤسسه عریض و طیل - سامان گرفته است.

۵. از جمله سنت‌های علمی گذشتگان ما، پاسخ مثبت به هر طالب علم در هر پایه تحصیلی بود. یعنی چنانچه یک مبتدی، از بزرگی که مراحل بسیاری از تحصیل و تدریس را گذرانده، درخواست درس می‌کرد، اگر استاد در ساعات خود می‌توانست وقتی به او اختصاص دهد، جواب رد نمی‌داد و گویا احساس وظیفه می‌کرد تا زکات علمی را که دارد، در هر پایه که باشد، به هر طالبی که خداوند بر سر راه او قرار داده است، بپردازد.

ما این را در تراجم عالمان بزرگی مثل مرحوم شیخ مرتضی طالقانی و آیت الله خویی و امثال ایشان رضوان الله علیهم اجمعین دیده‌ایم. شیوه مرحوم استاد جلالی نیز در این مدرسه آزاد همین بود؛ از آموزش‌های ابتدایی به تازه‌مسلمانان گرفته تا دروس عالی حوزه در فقه و حدیث و فلسفه و تاریخ، و آموزش تحقیق و تتبع در متون را، بنا به اقتضای جلساتی که برپا می‌شده است، همه را شامل می‌شد. در سطوح بالاتر، روش ایشان در فارغ التحصیل کردن شاگردان در هر مقطع و هر رشته، ارائه یک پژوهش شایسته از سوی شاگردان بود. ایشان حتی برای کسانی که دروس حوزی را آغاز می‌کردند، مجموعه‌ای جمع و تصنیف کرده بود با عنوان «نصوص الدراسة فی الحوزة العلمية» و آن را در برنامه آموزشی مدرسه قرار داده بود.

طباطبایی، که در آن مشخصات کتابهایی از اهل تسنن را که به صورت تک نگاشت به زبان عربی در باره اهل بیت نوشته‌اند، اعم از چاپی یا خطی، با توضیح کوتاه یا مفصل، بیان می‌دارد. در این کتاب، بیش از ۸۰۰ کتاب معرفی شده‌اند.

۶. از دیگر فعالیت‌های ایشان، انتشار برخی متون در آمریکا بود. آنچه را که در حین بررسی منابع کهن و واری متون و کنکاش در کتابخانه‌ها، شایسته می‌دید تا در دسترس محققان و اسلام‌پژوهان قرار گیرد، از رساله‌های کوچک خطی گرفته تا کتاب‌های حجیم‌تر، همراه با مقدمه‌ای در معرفی آن کتاب و نسخه، در سلسله انتشارات مدرسه آزاد، منتشر می‌کرد.

علو همت ایشان وقتی معلوم می‌شد که بدانیم این حجم از کار، هیچ پشتیبانی مالی نداشته است. شکل و شمایل کتابهای انتشارات The Open School هم گواه آن است. ایشان آن رسائل خطی و کتاب‌ها را با مقدمه‌ای که بر آنها می‌نگاشت بعینه به تعداد محدودی در حدود پنجاه تا یکصد نسخه، و با کمترین امکانات و با هزینه شخصی چاپ می‌کرد. بعلاوه با هزینه شخصی خویش، آنها را به اداره پست می‌سپرد و برای آدرس‌هایی از کتابخانه‌ها، مراکز پژوهشی و محققانی که در آمریکا و اروپا و آسیا و خاورمیانه و آفریقا - یعنی در تمام ربع مسکون می‌شناخت و گمان می‌برد این آثار به کار آنان بیاید - بی‌هیچ چشمداشتی پست می‌کرد. وی امید داشت که هرچند کیفیت چاپ پایین است، اما اگر پخش شود، از بین نرفته و در آینده به وجه بهتری منتشر خواهند شد.^۱

۷. این چنین تعهدی که سالهای سال بدان پایبند بود، ولع او را برای محفوظ ماندن آن رسائل و کتابهای خطی و انتشار آنها برای شناساندن میراث اسلامی نشان می‌داد.

۱. همچنان که کتابی را که در شرح حال استادش مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی رحمه الله علیه نوشته بود، به دلیل کمبود امکانات به صورت دستخط خود چاپ کرد و وقتی به دست جناب آقای ابهری سلمه الله مدیر محترم سابق کتابخانه مجلس در تهران رسید، آن را به شکل مطلوب و باتیراژ بالا از سوی انتشارات کتابخانه مجلس منتشر کردند.

همت و عزم او برای ارائه سخنرانی‌هایی درباره شناخت جوهر تشیع در سمینارهای علمی متعدد در آمریکا و چند بار در اروپا و چین و روسیه، نشانه یک تعهد دینی و احساس وظیفه انسانی بود که در درون او به قوت شکل گرفته بود. این تعهد، خود را گاه در رفتار اجتماعی نیز نشان می‌داد که جدای از فعالیت‌های علمی و تحقیق و خواندن و نوشتن، به جامعه اقلیت شیعی آمریکا توجه نشان می‌داد و اقدام به فراهم کردن کلاس‌هایی برای کودکان و نوجوانان آنان نمود. حتی برخی فعالیت‌های اجتماعی از قبیل اقامه عزای محرم در دسته‌هایی که برای آنها تشریف‌های سیاه یکدست، با احادیثی که به زبان انگلیسی بر آنها نوشته بود فراهم می‌کرد تا مورد توجه قرار گیرند. از خدمات اجتماعی او، اهتمام برای تهیه قبرستان در آرلینگتون برای شیعیان بود که بنا به وصیتی که کرده بود، پیکر خود او نیز در آنجا به خاک سپرده شد.

و سر انجام ...

استاد جلالی، در یازدهم نوامبر ۲۰۲۰، پنجم ربیع الآخر ۱۴۴۲ قمری، بعد از یک هفته بیماری، در حالی که فرزندان و شاگردان و دوستانش بر او حلقه زده بودند، در خانه خود در شیکاگو از دنیا رفت. رحمة الله و رضوانه علیه.^۱

آثار استاد جلالی

۱. دراسة حول القرآن الكريم
۲. دراسة حول نهج البلاغة
۳. مسند نهج البلاغة
۴. دراسة حول الصحيفة السجادية
۵. دراسة حول الأصول الأربعمائة
۶. إجازة الحديث

۱. با انتشار خبر ارتحال استاد جلالی، بسیاری از شخصیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی، با اظهار اندوه از فقدان ایشان، پیام‌های تسلیت خویش را منتشر کردند و برخی شعرا، ماده تاریخ وفات ایشان را در ایاتی سرودند.

٧. البديعة في تلخيص الذريعة
٨. كشف الحجب عن أسانيد الكتب
٩. الاكتفاء فيما روى في أصحاب الكساء
١٠. تلخيص الذهب من لسان العرب لابن منظور (٣ جلد)
١١. دراية الحديث
١٢. شرح الأربعين النبوية
١٣. غاية الأمانى في حياة شيخنا الطهرانى
١٤. فهرس التراث (٢ جلد)
١٥. لباب النقول في موافقات جامع الأصول
١٦. تهذيب المباني الأصولية
١٧. شرح الزيارة الجامعة الصغيرة
١٨. مزارات أهل البيت وتاريخها
١٩. غاية الآمال في طبقات الرجال
٢٠. معجم الأحاديث
٢١. موارد الاعتبار في سيرة النبي المختار وآله الأطهار
٢٢. أوضح البيان في تفسير القرآن
٢٣. نصوص الإجازات
٢٤. الفوائد المنتقاة
٢٥. التحريف والتصحيح
٢٦. الصيانة
٢٧. المؤلفات من أحاديث السلف
٢٨. المحاكمات بين التعليقات
٢٩. صورة من الحياة في سبيل الله
٣٠. المستدرک (شامل استدراک بر همه مؤلفات خود ايشان)
٣١. مسند الإمام موسى بن جعفر (تحقيق)
٣٢. أحاديث دينية
٣٣. أحكام النساء
٣٤. مصادر الحديث عند الشيعة الإمامية
٣٥. ضوء المشكاة في سلسلة الرواة
٣٦. التحف في نوادر مخطوطات النجف
٣٧. الصلاة على مذهب أهل البيت: سلسلة الرواة للإجازات والأثبات
٣٨. سلسلة الرواة للإجازات والأثبات
٣٩. ضياء الزيت في قراءة أهل البيت
٤٠. الإجازة العزيزة
٤١. الجواهر الفريد في مهام الأسانيد
٤٢. أجوبة المسائل الدينية
٤٣. جواهر اللآلى في سلسلة آل الجلالى
٤٤. فهرس الرجال في موجز الأحوال

إجازات رويى استاد جلالى:

از علمای شیعه:

١. شيخ آقابزرگ طهرانى

۲. سید محسن جلالی (پدر استاد جلالی)

۳. سید محمد مهدی کاظمی خوانساری

۴. سید محمد صادق بحر العلوم

۵. شیخ محمد رضا طبسی

۶. سید حسن بجنوردی

۷. شیخ محمد صالح حائری مازندرانی

۸. سید محمد رضا گلپایگانی

۹. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۱۰. سید محسن حکیم

۱۱. سید هبة الدین شهرستانی

۱۲. شیخ محمد رضا بن محمد تقی اصفهانی حائری

۱۳. سید محمد طاهر موسوی بلادی بحرانی

۱۴. شیخ یوسف خراسانی حائری

۱۵. دکتر حسین علی محفوظ^۱

از علمای زیدیه:

۱. السید مجد الدین المؤیدی الحسنی الصعدي الضحیانی

۲. الشیخ حمود المؤید الحسنی الصنعانی

از علمای اهل سنت:

۱. الشیخ حمدی العبیدی الأعظمی البغدادی الحنفی

۲. الشیخ أمجد الزهاوی الکردي البغدادی الحنفی

۱. این اجازه مدبجه است. یعنی هر دو طرف اجازه مجیزند و مجاز.

۳. السيد علوی بن عباس المالکی المکی (مدرس در مسجد الحرام)
۴. الشيخ محمد بهجۀ الدمشقی (معروف به بیطار)
۵. الشيخ محمد یاسین الفادانی الأندونسی المکی
۶. السيد عبدالله بن محمد بن صدیق الغماری (از بزرگان طنجه در مراکش)
۷. السيد إبراهيم بن عمر بن عقيل الحسينی الیمنی الشافعی
۸. الشيخ عبد الغنی الدقر الحسینی الدمشقی الشافعی
۹. الشيخ محمد بن أحمد القادری (ملقب به أخضر، آخرین نقیب الأشراف در سوریه)
۱۰. الشيخ عبد الرحمن بن عبد الرحمن الشاغوری
۱۱. الشيخ يوسف عرار الحسینی الدمشقی
۱۲. الشيخ محمد أمين سراج الحنفی الاسطانبولی



تقدم :

بسم الله الرحمن الرحيم

(ولبعد فتحك كنت زيارتي لدار الكتب الظاهريّة دمشق ٣٨٨ هـ
 قد اتاح لي فرصة ثمينة للوقوف على طائفة من نفائس المخطوطات ودار
 التراث . وكان منها هذا الكتاب النادر - الذي لم اجله نسج ثابته -
 للعلامة ابي عمران موسى بن ابراهيم المروزي ، يروي فيه جميع الاثار
 عن الامام موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام) وقد جاء في الكتاب بنسب مطاوع
 السمايات والقرآت باسم : (مسند الامام موسى بن جعفر) .
 وذكره الشيخ ابو العباس احمد بن علي النعماني الموفّق نسج هو عليهم بعنوان
 (الكتاب) كما ذكره الشيخ ابو جعفر عمير بن الحسن الطوسي المتوفّي نسج بهم
 (روايات) .
 وما كان من سوء استنساخ الكتاب وتخرّج اثاره من مصادر
 صحاح الوقت وساعد التوفيقي والبيك هذه الدرلة الترافقة
 حول الكتاب والمؤلف ، فاعلمها بقي ببعض حواشي الموضوع .
 وما توفيقي الا انابه عليه توكلت واليه انيب)
 الراعي عفو به
 محمد بن الحسين الجبالي
 النخبة الاشرف
 في شهر صفر / ١٣٨٩ هـ

يادداشت محقق جلالی در مورد مسند امام کاظم ۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

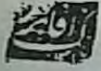
بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت قاجار جلالی پسر از حضرت سید امام دارالافتاء چندین مرتبه در طبقات
اعلام الشیعه از قرن چهارم تا قرن دوازدهم که از چاپ در آمده و رسید به
بر سر شاخه فرستادم رسیدم رسیدم باشد و در جدول آنجا اعلام نیز آمده و اگر
نرسیده است آدرس صحیح به امید دوباره نیز مستقیم فقه از اول تا قرن
دوازدهم مرتب چاپ شده است و قرار است این کتاب با آن نیز چاپ
شود قیمت چاپ ششده قرن چهارم شده اصل نزد کارشناسی موجود است
قطب قیمت چاپ شده قرن سیزدهم معنود شده است در انتقال از کشف
به ایران
دان آقا اندک چاپ شده در قرن سیزدهم که خدمت شایسته و دو قسم بود
از آن به خط بعضی است گردان شده بود که مرتقی که من امر یکا بودم فخری بود
و از محمدی به بعد که فتوی که از آنکه اصل بود فتوی که شد فقه اگر محبت
کنید قسمی که به خط بعضی است گردان شده بود مورد محبت است کتاب است
قرن سیزدهم و چهاردهم کامل چاپ شده و طبقات دوره ششده
من شود به ط کتبه ری شیخ الطائفه شیخ بزرگوار را صاحب کتبه شیخ
اگر فتوی که در بزرگی می شود بهتر اگر نه عین آنرا نیز مستند در این کتاب است
می شود عطا سالاری گردانیم محبت کنیده رسید به من است
نیز مستند به هر طور موهوم میدانیه و اگر نه کسی در آقا باشد
این کتاب چاپ کند یا استنساخ کند نیز مستند است را بر در این کتاب
علیه آئینه به امید ام محمد علی استنساخ کند نیز مستند است
و آدرس محمد علی را هم در هر جا که ملا می نویسد که اگر خدمت
سوره به بتوانم او را به بینم
تقدیر فاکل ق علوم الحقایق ۷۹۱ عید نوروز
بروز دولت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۳۱۶

نامه محقق کتابشناس سید عبدالعزیز طباطبایی به مرحوم استاد جلالی برای چاپ کتاب طبقات اعلام الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَرَبِّهِمْ

المجرب رب العالمین و الصلاة والسلام علی سیدنا و مولانا ابی المظفر محمد بن حنفیه
 خاتم النبیین و علی اوصیائه الائمة المعصومین الخاطیبه منه ما اوحی الیه فی الکتاب
 و بعد
 المبین صحاح ثلاثه الحجام یوم العین
 تمامه البید عند الفقه الثبوت المعتمد الشارح منی منزله الولد البید محمد بن حنفیه
 خلیل العلامه الجبل للبحر السیاحی الحنفی فی الجلاله الطاری المولود الحنفی زاد اسیه فی تحقیق
 فدا سنجاریه فی المرابطه قبل سنوات تکذیب له جاززه عامه تخصه کنصح بها روایه عنی
 ما حنفیه علامه المسلمین من الاصول و الکتب من صدر الاسلام حتی المیوم فهو جاززه عنی فذلک
 و لقد اکثر من الزود الی مکتبته المرفوضه من (۷۵) لانتفاع طلاب النجف الاشراف
 بشکل بطا لعمه ما فيها امر الکتب و بنسخه من مطبوعها و مخطوطها البلادها و ان
 فی کثیر من البلاد البلیطه فی المکتبه و مخطوطها بالفحص و التفتیحه لا یستخرج مجرولان
 و المخطوطه فحدود معلومانه بجمله المطالع و الکتب و الاستفاده تارک الکل و الایب
 و الترم و الاشرافه لا یتلوه الشمس فقال بهذا السی الیبلغ مقامات فاح و حازر فی النسخه
 مقلتا لا یستمان به و ذلک من فضل الله القل احضرن به فلم یزید سائر الشبان من انزل به کل
 قال الله جل جلاله زیاده الشرف و له من ابی الجلاله الشرفی
 و لقد کنت انا و له بعض ذلک الکتب و اعرض علیه بعض خصوصیاتها و اشیر له بحیث
 مؤلفه و طلعه علی بعض فرائده و اذکر له فیه من مطالبه و اقر علیه بعض مواضعه و سبب
 او هو یقول و انما امره و بالاضحی المخطوطات التي یقلی من البقیه لو منصفه عن ذلک
 و فی البید الخیر ما البید ما کتب له کلامه فکف عن فخره عنی لآ اولی حقه التمانیه من المطالع
 و العرضه و السلام منی و القرائنه علی و الاستماع منی ما اعلام بانه خطی و اضیق او خطی
 فاجیت مسالنه و تزک عند رفیقہ و کتبت منه الجماله بیدیه المرفوضه فی مکتبته لعمامه
 فی الساعه عشرین عزم الایام مقام سبغه و ثابته و ثلثه و الف و ثلثه الفک الشکر لایبرک المظفر



اجازه روایت حدیث از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی برای محقق جلالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على أشرف خلقه وخير رسله
 محمد سيد الأولين والآخرين واهل بيته الطيبين الطاهرين وا
 لعن العالم على عدائهم اجمعين ابا المجددين ودهم المأثورين
 وبعد فان جناب العالم العامل والفاضل الكامل جامع المعقول
 والمنقول حاوي الفروع والاصول الورع التقى الاغصان
 الجلالى الحائرى دامت افاضاته وكثر الله في العلماء العالمين
 امثاله ممن اعتكف في النهى الاشرف برهته من الزمان تحصيل
 العلوم الشرعية وتشيين المباني الفقهية وتحقيق المسائل للاسئلة
 وحضر على الاساطين ولدى الاحقر حضوره ففهم وتحقيق وتمنى
 وتدين وبلغ مناه وفاق الاقران وهازم تيرة الاجتهاد مقرة
 بالصلاح والسمعة واستل الله تعالى ان يجعله ذخر العباد
 حصنا حصينا للبلاد فله تعالى دترة و عليه سبحانه اجره
 واستل ان لا ينساني من الدعاء صلى زينة الممام ۳۹۹

حسن الموسى بنجوردى



گواهی اجتهاد مرحوم جلالی از آیت الله میرزا حسن بنجوردی